

از نظر شهید حکیم فعالیت سیاسی پرتوی از مسئولیت شرعی است...

گفت‌وگوی «شاهد یاران» با حجت‌الاسلام سیدریاض حکیم
فرزند آیت‌الله سیدمحمد سعید حکیم

درآمد

سیدریاض حکیم، فرزند آیت‌الله سیدمحمد سعید حکیم از مراجع تقلید حوزه علمیه نجف اشرف در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در شهر نجف اشرف متولد، و از سن ۱۲ سالگی تحصیلات علوم دینی را آغاز کرد. او دروس مقدمات تا سطح و بحث خارج فقه را در محضر اساتید حوزه علمیه نجف اشرف گذراند. آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد سعید حکیم، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله شیخ بشیر حسین نجفی، آیت‌الله سیدعبدالصاحب حکیم و آیت‌الله سیدعبدالرزاق حکیم از برجسته‌ترین اساتید او هستند. سیدریاض حکیم همچنین مکاسب و کفایه و مقدمات را در حوزه علمیه نجف اشرف تدریس کرده است. با اوج‌گیری اقدامات سرکوبگرانه و فشارهایی که رژیم صدام بر خاندان آیت‌الله حکیم در دوران جنگ تحمیلی وارد آورد، سیدریاض حکیم مدتی بازداشت و چند سال از عمرش را در زندان گذراند. صدام در آغاز جنگ تحمیلی، کنفرانس بین‌المللی فرمایشی برای توجیه جنگ و کسب حمایت جهان اسلام برگزار کرد. که خاندان آیت‌الله حکیم دستجمعی با جنگ و این کنفرانس مخالفت کرده و به همین دلیل مورد خشم صدام قرار گرفتند و به زندان افکنده شدند. در مراحل گوناگون حکومت حزب بعث ده‌ها تن از روحانیون و علماء زن و مرد و پیر و جوان از خاندان بیت حکیم به شهادت رسیدند. رژیم حزب بعث پس از شکست در جنگ کویت به ناچار گروهی از زندانیان از جمله سیدریاض حکیم را آزاد کرد که متعاقباً به جمهوری اسلامی آمد و تحصیلاتش را در حوزه علمیه قم ادامه داد.



در آغاز از شناخت خودتان از سیدمحمدباقر حکیم و مسیر علمی و جهادی ایشان بفرمائید؟

آقای سیدمحمدباقر حکیم یکی از فرزندان بزرگ مرجع عالیقدر تشیع آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم است. او در بیت مرجعیت زندگی کرد و از انقباس قدسیه پدر بزرگوارش متأثر شد. هرگاه شهید حکیم به شهر قم می‌آمد، با ایشان جلسات خاصی برگزار می‌کردیم و درباره مسائل روز و مسایل حوزه علمیه بحث و گفت‌وگو می‌کردیم.

روزی در یکی از این جلسات از او پرسیدم که چه کسی بر شکل‌گیری شخصیت فکری تان مؤثر بوده است؟ از او پرسیدم چطور شد که آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم با وجودی که ده فرزند داشت و سرگرم مسایل مرجعیت بود بر همه فرزندان خود اثر گذاشت و آنها را به سوی فراگیری علوم اسلامی تشویق کرد که همه‌شان دانشمند و عالمان متدین و وارسته بار آمدند و تعدادی از آنها در راه اسلام به شهادت رسیدند؟

شهید سیدمحمدباقر حکیم در جواب گفت: برای من مسئله‌ای پیش آمد که در بارور شدن فکر و اندیشه‌ام بسیار مؤثر بود. در

سال‌های جوانی در بیت مرجعیت زندگی می‌کردم. احساس می‌کردم که مردم به آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم مرجع تقلید بسیار علاقه‌مندند و برای ایشان احترامی قائلند. این پرسش به ذهنم رسید که آیت‌الله حکیم شایستگی این همه احترام و قدردانی مردم را دارد؟ رفتاری که با مردم دارد، همان رفتاری است که در منزل دارد؟ بنابراین، سعی کردم پدرم را الگوی خود قرار دهم. رفتار پدرم با همسر و با فرزندان در خانه و با همسایگان را پیگیری می‌کردم.

شهید سیدمحمدباقر حکیم می‌افزود که مدت‌ها ناظر رفتار پدرش در خانه و بیرون خانه بوده است. سپس به این نتیجه رسید که پدرش واقعا مرد علم و عمل و مرد خدا بوده است. همان سیمایی که بیرون از خانه داشت نماد سیمایی است که در درون خانه داشت. بنابراین، استقامت و روحیه بالای پدر در مسیر زندگی من اثر گذاشت و گمان می‌کنم که این رفتار بر سایر برادرانم هم اثر گذاشته است.

آیا مرحوم آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم، میان ویژگی‌های اخلاقی و علمی و استعدادهای فرزندانش تفاوت قائل

بود؟

به طور کل فرزندان آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم، انسان‌هایی با استعداد بودند. کسانی که معاصر آنها در نجف بودند، از استعدادها و مزایای فرزندان آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم آگاهی دارند. ایشان در تربیت و پرورش استعدادهای فرزندان‌شان موفق بودند. آیت‌الله سیدیوسف حکیم نماد تقوا و پرهیزکاری بود. امام خمینی (ره) درباره او گفته‌اند که «هر گاه انسان به چهره سیدیوسف نگاه کند به یاد آخرت و معاد می‌افتد». مرحوم سیدیوسف به این اندازه پرهیزکار بود. سایر فرزندان آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم، با وجود اینکه آیت‌الله زاده بودند ولی، خدمتگزار مردم و طلبه‌های حوزه علمیه بودند. برای طلاب حوزه علمیه نجف اشرف روشن بود که فرزندان آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم با تواضع و ساده‌زیستی رفتار می‌کنند. در راه خدمت به حوزه علمیه نجف اشرف و شکوفایی آن و خدمت به مردم عادی دردها و زحمت‌های فراوان متحمل شدند. بی‌تردید هر یک از فرزندان آیت‌الله سیدمحمدحسن حکیم ویژگی خاص خود را داشتند اما، در مجموع آنان از مزایا و استعدادهای علمی و اخلاقی یکسان برخوردار بودند که مورد تقدیر و تحسین علما و طلاب حوزه علمیه نجف اشرف و مردم مؤمن عراق قرار می‌گرفتند.

ویژگی‌های اخلاقی شهید سیدمحمدباقر حکیم کدامند؟ چندین سال که خدمت ایشان بودم و از محضر ایشان استفاده کردم، از نزدیک تواضع، صراحت، دورنگری و واقع‌بینی او را ملاحظه کردم. به شعاع و رهنمون دادن مردم اکتفا نمی‌کرد، بلکه همیشه سعی داشت شعارهای خود را به مرحله عمل برساند. طبیعی است که در حوزه سیاست برخی کشمکش‌های گروهی، جناحی و سیاسی بروز می‌کرد، با وجود آنکه برخی مخالفان بالحنی تند از او انتقاد می‌کردند ولی، شهید حکیم هیچ واکنش منفی نشان نمی‌داد. مهم‌تر از آن در جلسات خصوصی که با هم داشتیم نیز آقای حکیم حتی مخالفان خود را برادر می‌نامید؛ می‌گفت برادران ما نظرشان این است؛ نقاط اختلاف برادرانمان این چنین است. در یک مورد هم به یاد ندارم که مخالفان خود را سرزنش کرده باشد. با مخالفان برخورد مثبت داشت. گاهی اوقات نیز که دشمنان به شخصیت او توهین می‌کردند، با او تماس می‌گرفتم و علت آن را جویا می‌شدم. او این مسائل را عادی و طبیعی توصیف می‌کرد. می‌گفت مردم تحت فشار قرار دارند و ما باید خویشتن‌داری کنیم. شهید حکیم بر این عقیده بود که همه تجاوزها و توهین‌ها به ساحت او، تاوان مسئولیت سنگینی است که بر دوش دارد. هر شخصیتی که متصدی امور مردم است باید انتقادپذیر باشد. باید همه سختی‌ها را تحمل کند، سعه‌صدر داشته باشد و باید مثبت با مردم رفتار کند.

شهید حکیم ضمن داشتن فعالیت‌های سیاسی و جهادی، هفته‌ای یک بار به قم می‌آمد و با علما و مراجع حوزه علمیه دیدار و گفت‌وگو داشت. بفرمایید روابط ایشان با مراجع بزرگ چگونه بوده و بیشتر با چه تیپ مراجع تقلید ارتباط داشت؟

فعالیت‌های شهید سیدمحمدباقر حکیم به مسائل سیاسی محدود نبوده است. اصرار داشت روابطش با پیوندش با حوزه علمیه قوی بماند. برنامه‌های خود را طوری تنظیم کرده

شهید حکیم بر این عقیده بود که همه تجاوزها و توهین‌ها به ساحت او، تاوان مسئولیت سنگینی است که بر دوش دارد. هر شخصیتی که متصدی امور مردم است باید انتقادپذیر باشد. باید همه سختی‌ها را تحمل کند، سعه‌صدر داشته باشد و باید مثبت با مردم رفتار کند.

■ شهید حکیم در کنار آیت الله مهدوی کنی، آیت الله جمی و تعدادی از علمای خوزستان.



حوزه علمیه قم همکاری و هماهنگی دارد؟

در حال حاضر با برخی نهادهای حوزه علمیه قم به ویژه با دانشگاه المصطفی که قبلاً مرکز جهانی علوم اسلامی نامیده می شد هماهنگی مستقیم داریم. در جمهوری اسلامی ایران و کشورهای گوناگون فعالیت های فرهنگی انجام می دهیم. سال گذشته حدود یک هزار و ششصد مبلغ از حوزه علمیه قم به ده ها کشور اعزام کردیم. همچنین ده ها هزار جلد کتاب در رشته های مختلف علوم اسلامی در کشورهای گوناگون توزیع کرده ایم. هیئت های متعددی برای رسیدگی به امور شیعیان و مسلمانان به ویژه به افغانستان، هندوستان، پاکستان، گرجستان و سایر کشورها اعزام کرده ایم. به خانواده شهدای عملیات تروریستی در کشورهای مختلف رسیدگی می کنیم، به مجروحان عملیات تروریستی کمک می کنیم. تا به حال در پاکستان و افغانستان سه درمانگاه احداث کرده ایم. در افغانستان برای تدریس فرزندان پسر و دختر خانواده های بی بضاعت شیعه چند باب مدرسه احداث کرده ایم. مدارس دیگری نیز در هندوستان و پاکستان تأسیس کرده ایم.

با دانشگاه المصطفی چه همکاری هایی دارید؟

این دانشگاه مسئولیت اداره امور طلاب خارجی را بر عهده دارد. با مسئولان این دانشگاه در زمینه اعزام مبلغ و کمک به طلاب خارجی همکاری گسترده و نزدیک داریم. آیت الله سیدمحمد سعید حکیم تاکنون چه گامی برای تقرب و همکاری میان حوزه علمیه نجف اشرف و حوزه علمیه قم برداشته اند؟

میان آیت الله سیدمحمد سعید حکیم و سایر مراجع حوزه علمیه قم روابط و همکاری مشترک وجود دارد. من به نمایندگی از پدرم با مراجع عالیقدر حوزه علمیه قم دیدار و درباره مسایل عراق و جهان اسلام بحث و تبادل نظر می کنم. هر چند که فاصله جغرافیایی میان نجف اشرف و قم دور است اما، روابط میان مراجع دو حوزه صمیمانه است. میان مراجع حوزه علمیه نجف اشرف و حوزه علمیه قم هماهنگی و تبادل نظر مشترک وجود دارد.

با وجودی که آیت الله سیدمحمدباقر حکیم به شهادت رسیدند اما، به نظر می رسد که روح و فکر ایشان همچنان میان علاقه مندان زنده است. بفرمایید که فقدان او چه آسیبی به جهان اسلام وارد آورد؟

شهید سیدمحمدباقر حکیم با بینش عمیق و ویژگی های علمی که داشت درد و رنج های فراوانی متحمل شد. خلاصاً دست رفتن او به این آسانی جبران نمی شود ولی، امیدوارم که به یاری خداوند حوزه های علمیه و بیت آیت الله حکیم بتوانند شخصیت های بسیاری مانند شهید سیدمحمدباقر حکیم پرورش دهند تا به جهان اسلام خدمت کنند. ■

جمهوری اسلامی ایران در منزل خود داشت و بنده نیز حاضر بودم و مسائل افغانستان مطرح شد شهید حکیم تحلیل دقیق و جامع از اوضاع افغانستان ارائه کرد که برخی مسئولان را شگفت زده کرد.

با وجود اینکه آقای حکیم درگیر مسائل عراق بود اما، در عین حال مسائل جهان اسلام را نیز پیگیری می کرد. اصولاً مسائل جهان اسلام را با دقت پیگیری می کرد، دیدگاه جهان غرب نسبت به جهان اسلام را پیگیری می کرد. او درباره معرفی اسلام به جهان غرب و کاستن میزان عکس العمل غربی ها به مسلمانان طرح های جامع ارائه می کرد. شهید حکیم درباره چگونگی حل بحران هایی که گریبان گیر جهان اسلام است، طرح هایی منطقی و ارزشمند ارائه می کرد.

به جز آیت الله سیدمحمد سعید حکیم، اکنون چند تن از بزرگان خاندان حکیم متصدی مرجعیت شیعه هستند؟

در حال حاضر از میان خاندان بیت حکیم فقط آیت الله سیدمحمد سعید حکیم تصدی مرجعیت شیعه را بر عهده دارند. اما، سایر فرزندان و نوادگان آیت الله سیدمحمد حسن حکیم

■ ■ ■
او درباره معرفی اسلام به جهان غرب و کاستن میزان عکس العمل غربی ها به مسلمانان طرح های جامع ارائه می کرد. شهید حکیم درباره چگونگی حل بحران هایی که گریبان گیر جهان اسلام است، طرح هایی منطقی و ارزشمند ارائه می کرد.

سرگرم فعالیت های گوناگونند. تعدادی از این آقایان مشغول تدریس بحث خارج فقه در حوزه های علمیه نجف اشرف و قم و سوریه هستند. البته شخصیت های دیگری در سطوح مختلف حوزه تدریس می کنند، برخی دیگر درگیر فعالیت های سیاسی و فرهنگی هستند.

خدا را سپاس می گویم که این شجره مبارکه که از انفاص مبارکه مرجع عالیقدر بزرگ شیعیان مرحوم آیت الله سیدمحمد حسن حکیم الهام گرفته است ثمرات ارزشمندی برای جهان اسلام داشته است، میراث گرانبهایی از این بیت باقی مانده و ان شاء الله به برکت خون شهدا و زحمات آقایان این راه ادامه پیدا خواهد کرد.

دفتر آیت الله سیدمحمد سعید حکیم در چه زمینه هایی با

بود که دو روز در هفته را در قم بگذرانند. با بیشتر مراجع و شخصیت های حوزه علمیه با گرایش های مختلف دیدار و تبادل نظر می کرد.

در حقیقت شهید سیدمحمدباقر حکیم فعالیت های سیاسی را در پرتو مسئولیت های شرعی می دانست. بنابراین، شیوه فعالیت های سیاسی را با مشورت مراجع بزرگ تقلید انجام می داد هر اقدام سیاسی را در چارچوب احکام شرعی و الهی انجام می داد. هر برنامه ای را بر اساس دیدگاه های اسلام تنظیم می کرد. او همواره با مراجع بزرگ و شخصیت های علمی در تماس بوده است. او تأکید می کرد که یک سیاست مدار باید همواره با حوزه علمیه هماهنگ باشد. این هم یکی دیگر از ویژگی های شهید حکیم است.

پس از شهادت سیدمحمدباقر حکیم به روشنی ملاحظه کردیم که شهادت او تا چه اندازه مراجع تقلید با مبانی فقهی متفاوت و شخصیت های گوناگون علمی و سیاسی را متأثر کرد. بسیاری از مراجع برای شهادت او گریه کردند. این نشان می دهد که شهید سیدمحمدباقر به گرایش خاصی از مراجع بزرگ و روحانیون حوزه علمیه محدود نبوده است. همه به او علاقه داشتند و برای فقدان او گریستند. شهید سیدمحمدباقر حکیم ضمن داشتن ارتباط صمیمانه با مراجع حوزه علمیه قم با مراجع تقلید در حوزه علمیه نجف اشرف نیز روابطی صمیمانه و مستحکم داشت. پس از بازگشت او به عراق و شهادتش، مراجع نجف احساس کردند خلأ بزرگی در حوزه علمیه به وجود آمده است. من از برخی مراجع حوزه علمیه نجف اشرف شنیدم که شهادت سیدمحمدباقر حکیم مسئولیت آنان را سنگین تر کرد. او اگر در قید حیات می ماند می توانست به بسیاری از مسائل رسیدگی کند.

شهید سیدمحمدباقر حکیم یکی از افرادی بود که همواره در مراسم عزاداری و مناسبت های مذهبی حضور داشت و تعزیه خوانی می کرد. او هنگام تعزیه خوانی و نیایش یک حالت عرفانی داشت و از خود بیخود می شد. به نظر شما، این ابعاد روحانی و عرفانی او از کجا ناشی می شد؟

نظر به اینکه آقای حکیم فعالیت سیاسی را در پرتو مسئولیت شرعی می دانست بنابراین، می گویند ارتباطش را با خدا و فرهنگ اصیل اسلام مستحکم کند. همواره احساس می کرد که باید موضع گیری های خود را بازنگری کند تا نکند اشتباهی یا لغزشی از او سر زده باشد. او در یکی از سخنرانی هایش با صراحت اظهار داشت که هر چند مدت یک بار موضع گیری ها و دیدگاه هایش را بازبینی می کرد. همان گونه که می دانید شهید حکیم به خاطر فعالیت های سیاسی اش، بهای سنگینی پرداخت کرد. تعداد زیادی از برادرانش و علمای خاندان حکیم جانانشان را در راه اسلام تقدیم کردند. این فداکاری و ایثار کار آسانی نبوده است.

در جلسات خصوصی که با شهید حکیم داشتیم، او با صراحت می گفت که احساس می کند، بهای سنگینی در راه پیکار و جهاد پرداخت کرده است. شهادت خاندان حکیم مردم عادی نبودند، شخصیت های اندیشمند و عالمان بزرگی بودند که می توانستند به جهان اسلام خدمت کنند. شهید حکیم می افزود:

«من همیشه به این فکر هستم که در برابر شهادت این بزرگان باید خدمتی به اسلام کنم که ارزش شهادت فرزندان و نوادگان آیت الله العظمی سیدمحمد حسن حکیم را داشته باشد.»

لذا همیشه سعی می کرد از نظر روحی، معنوی، عاطفی و فرهنگی با خاندان اهل بیت (ع) ارتباط قوی داشته باشد.

مرحوم آیت الله سیدمحمد حسن حکیم در زمان تصدی مرجعیت شیعه به مسائل جهان اسلام همچون مسئله کشمیر و پاکستان و فلسطین توجه خاص داشتند. آیا شهید سیدمحمدباقر این راه را نیز ادامه داد یا فقط به قضیه عراق توجه می کرد؟

شکی نیست که شهید سیدمحمدباقر حکیم به مسائل جهان اسلام نیز اهتمام خاص داشت. به طور مثال در مرحله ای که اوضاع الجزایر بحرانی شده بود، او تحلیل های دقیق و قابل ملاحظه ای ارائه می کرد. در جلسه ای که با برخی مسئولان